

عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت زنان روستایی

در برنامه‌های ترویجی:

مطالعه‌ی موردی شهرستان سنقر و کلیائی

دکتر امیرحسین علی‌بیگی*

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

لیلا بنی‌عامریان

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

چکیده

پژوهش پیش رو پژوهشی از نوع توصیفی-هم‌بستگی است، که با هدف تعیین میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی و شناسایی مهم‌ترین دلایل مشارکت و نبود مشارکت در این برنامه‌ها صورت گرفته‌است.

جامعه‌ی آماری پژوهش را ۲۱۹۹ نفر از زنان روستایی شهرستان سنقر و کلیائی در استان کرمانشاه تشکیل می‌دهند که ۳۲۷ نفر از آنان، با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌یی و به عنوان نمونه‌ی پژوهش، انتخاب شدند. ابزار اصلی پژوهش پرسش‌نامه است، که ضریب آلفای کرون‌باخ، بیان‌گر پایایی مناسب مقیاس‌های طراحی‌شده‌ی آن است (برای بخش دوم ۰/۹۴ و برای بخش سوم ۰/۹۵) و برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده شده‌است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی کم‌تر از متوسط است. بر پایه‌ی پاسخ‌های داده‌شده، تبعیض‌های جنسیتی، نبود اجازه برای حضور زنان در فعالیت‌های گروهی، پایین بودن سواد، فقر اقتصادی خانواده، و نبود آگاهی نسبت به شیوه‌ی برخورد با زنان، از مهم‌ترین دلایل مشارکت نکردن، و تماس زیاد با مروجان، افزایش تولید و درآمد، خوشنودی از برنامه‌های آموزشی-ترویجی گذشته، و علاقه‌مند بودن به کشاورزی، از مهم‌ترین دلایل مشارکت است. بر پایه‌ی تحلیل رگرسیون، سطح تحصیلات، سن، و سطح تحصیلات همسر، از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی اند.

واژگان کلیدی

مشارکت؛ زنان روستایی؛ برنامه‌های آموزشی-ترویجی؛

مشارکت، به عنوان کلیدی‌ترین عنصر دستیابی به اهداف عمران روستایی، از اهمیتی خاص برخوردار است. مشارکت حالتی است که افراد در آن، به گونه‌ی ارادی، آگاهانه، با میل و رضایت خود، و بدون هیچ گونه اجبار، در برخی برنامه‌ها شرکت می‌کنند و هم‌کاری آنان از مرحله‌ی تصمیم‌گیری تا اجرا، نظارت، و ارزش‌یابی ادامه پیدا می‌کند (کوهی ۱۳۸۳).

در سال‌های اخیر، به‌خصوص از آغاز دهه‌ی ۹۰، روی‌کردهای مشارکتی به توسعه، مورد توجه فزاینده قرار گرفته‌است و بر اهمیت مشارکت، هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از هدف‌های توسعه تأکید شده‌است. مشارکت در برنامه‌های آموزشی-ترویجی، به عنوان یکی از عوامل انکارناپذیر فرآیند توسعه‌ی روستایی، ضرورتی مهم است که خود به عنوان پیش‌نیاز بهره‌مندی از مزایای آموزش‌های ترویجی، برای دستیابی به اهداف توسعه مطرح است. هم‌زمان با مشارکت فراگیر لایه‌های روستایی در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی، به‌طور اعم، و برنامه‌های ترویجی، به طور اخص، مسئله‌ی مشارکت زنان روستایی نیز مسئله‌ی بسیار مهم و در خور تأمل است. مسئله‌ی مشارکت زنان روستایی می‌تواند تأثیری مهم بر فرآیند توسعه و در پیش گرفتن سیاست‌های مربوط داشته‌باشد، اما تنگناها و محدودیت‌های موجود، این مسئله را به مسئله‌ی پیچیده تبدیل کرده‌است؛ در حالی که دستیابی به توسعه‌ی پایدار، بدون مشارکت فعال زنان در تمامی گستره‌ها، مانند گستره‌های خانوادگی، اقتصادی، و اجتماعی، امکان‌پذیر نیست (حسینی‌نیا ۱۳۷۸؛ امیرنیا ۱۳۸۰؛ رضایی قادری ۱۳۸۳؛ زرافشانی، خالدی، و غنیان ۱۳۸۸).

هزاران دختر و پسری که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، دارای توانایی‌های بودپذیر جهت تولید فرآورده‌های غذایی اند، اما در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، فرصت‌های موجود برای آموزش رسمی و فنی روستازادگان، به‌ویژه دختران، بسیار محدود است؛ در حالی که با توجه به این که زنان روستایی، پرورش‌دهندگان نسل‌های تولیدکننده‌ی آینده اند و نقش اصلی و اساسی پرورش فرزندان را مادران به عهده دارند، در گام اول لازم است مادران روستایی از سطح بالای دانسته‌ها و آگاهی‌ها بهره‌مند باشند. روشن است مادری که با گذراندن کلاس‌های آموزشی، روش بهتر تولید فرآورده را یاد گرفته، می‌تواند با انتقال آن به فرزند دختر خود، وی را فردی مفید و مؤثر به حال خانواده و جامعه سازد. آموزش‌های ترویجی باید فراهم‌کننده‌ی فرصت‌هایی برای زنان روستایی باشد تا هم‌پای مردان، از امکانات آموزشی بهره‌مند شوند، به اعتبارات موردنیاز دست یابند، با مشاغل جدید آشنا شوند، و در نهایت، جای‌گاه حقوقی خود را بیش از پیش بشناسند. آموزش زنان روستایی، افزون بر این که نیاز محسوس جامعه‌ی زنان روستایی به شمار می‌آید و سطح



آگاهی‌های فنی زنان را بالا می‌برد، در بیشتر کردن آگاهی‌های فنی مردان روستایی نیز مفید است و وظیفه‌ی آموزشی مروجان را در آموزش بزرگسالان مرد آسان می‌کند (افتخار ۱۳۷۴).

بارها گفته شده است که ترویج، به دلیل نبود منابع کافی، ضعف آموزشی کارکنان، محدود بودن منابع آموزشی، تراکم و ارجاع مسئولیت‌های غیرترویجی، تضاد نقش‌های کارکنان ترویج، و مانند آن، کارکردی غیرمؤثر دارد، اما به این امر اشاره نمی‌شود که چرا به مخاطبان و فراگیران (زنان و مردان) توجهی یکسان نمی‌شود؛ چرا مسائل زنان روستایی در سامانه‌ی بازخورد اطلاعات ترویجی نمایان نیست؛ و چرا مؤسسه‌ها و سازمان‌های ترویجی، فن‌آوری مناسب با نیاز زنان را ندارند (میری خوزانی ۱۳۷۶)؛ در حالی که با توجه به این که فعالیت زنان، به عنوان عنصری مهم در تصمیم‌گیری کشاورزی، اساسی به نظر می‌رسد و زنان، سرپرستی بیش از یک‌سوم خانوارهای روستایی را در کشورهای درحال توسعه برعهده دارند، ضروری است که ارتباط آنان با ترویج مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که تا به حال بی‌توجهی به زنان و شیوه‌ی ارتباط با آن‌ها، پدیدآورنده‌ی اثراتی زیان‌بار، به‌خصوص در جهان سوم، بوده است (شاه‌پسند ۱۳۷۹).

برای توضیح این که چرا زنان روستایی نتوانسته‌اند از ترویج کشاورزی بهره‌گیرند، دلایلی بسیار وجود دارد، که دامنه‌ی آن‌ها از شیوه‌ی جدول‌بندی زمانی نشست‌ها، گردهم‌آیی‌ها، و نمایش‌گاه‌های ترویجی و نیز نبود دسترسی و نامناسب بودن مکان آن‌ها برای زنان شروع می‌شود و تا تبعیض در استخدام کارکنان ترویجی، که طی آن زنان را—حتا آنان که آموزش و تخصص کشاورزی دارند—در امور کشاورزی استخدام نکرده، در عوض آن‌ها را در امور اقتصاد منزل به کار می‌گیرند، گسترش می‌یابد؛ برای نمونه، ترویج به آن دسته از کشاورزان زن که در زمینه‌ی تولید فرآورده‌های غذایی سنتی کار می‌کنند، یا هیچ‌گونه فن‌آوری جدید را معرفی و ارائه نمی‌کند و یا در موارد دیگر که فن‌آوری وجود دارد، به دلیل توجه بیش‌تر تلاش‌های ترویجی به سوی کشاورزان مرد و نیز ناتوانی در دستیابی به اعتبارات و خرید نهاده‌های لازم برای استفاده از فن‌آوری جدید، کشاورزان زن نمی‌توانند از آن‌ها بهره‌گیرند؛ بدین ترتیب، عوامل گسترده‌یی که به گونه‌ی عمیق، در طبیعت جنسی، فرهنگ، و جامعه وارد شده است، از شرکت زنان در آموزش کشاورزی رسمی و آموزش ترویجی غیررسمی جلوگیری می‌کند. فرصت آموزشی نابرابر برای زنان، سبب مشارکت نابرابر آن‌ها در برنامه‌های ترویجی می‌شود (شاه‌پسند ۱۳۷۹؛ تقی‌پور بافتی و خدانی ۱۳۸۰) و آن‌ها را از نظر برخورداری از شرایط مشارکت پویا و فعال در مسائل روستایی، در شمار

آسیب‌پذیرترین بخش جمعیت روستایی قرار می‌دهد. هیچ جامعه‌ی با زنان، رفتاری برابر مردان ندارد و اندازه‌ی شناسه‌ی توسعه بر پایه‌ی جنسیت، این نکته را به خوبی روشن می‌سازد. مقدار یک در این شناسه، یعنی بیشینه‌ی دست‌آورد در توانایی‌های اساسی و برابری کامل زن و مرد؛ اما هیچ جامعه‌ی به این اندازه نرسیده‌است (رضایی قادری ۱۳۸۳).

مشارکت واقعی فرآیندی است که افراد مشارکت‌کننده در آن، به منظور رسیدن به یک هدف مشترک در مورد موضوعی که با زندگی فرد یا گروه پیوند دارد، در کنار احترام به باورهای یک‌دیگر، با هم همکاری می‌کنند. این نوع مشارکت، که تجربه‌های افراد نقشی بسیار ارزنده در آن دارد، افزون بر پدید آوردن هم‌افزایی^۱ در تصمیم‌گیری، موجب توان‌مندسازی و خودیاری زنان روستایی می‌شود. در برابر این مشارکت، مشارکتی صوری نیز وجود دارد، که اخیراً به مشارکتی گفته می‌شود که در آن، تسهیل‌گران، گفت‌وگو را به سوی هدایت می‌کنند که به نتایج دل‌خواه خود دست پیدا کنند.

یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که تا کنون در زمینه‌ی انواع مشارکت صورت گرفته‌است، در جدول زیر نشان داده شده‌است (زرافشانی، خالدی، و غنیان ۱۳۸۸).

جدول ۱- نوع‌شناسی مشارکت

نوع مشارکت	تعریف
۱ مشارکت غیرفعال	مشارکت‌کنندگان در مورد برنامه‌ی که انجام شده یا قرار است انجام شود نظر می‌دهند و در واقع، مردم به وسیله‌ی مدیران برنامه از مسئله آگاه می‌شوند. در این نوع مشارکت، هیچ گونه تضمینی به بازخوردهای مردم وجود ندارد.
۲ مشارکت به‌وسیله‌ی دادن اطلاعات	مشارکت افراد به وسیله‌ی پاسخ‌گویی به سؤال‌هایی که پژوهش‌گران به صورت پیمایش (پرسش‌نامه و دیگر) مطرح می‌کنند انجام می‌گیرد.
۳ مشارکت به‌وسیله‌ی مشاوره	هرچند افراد به وسیله‌ی مشاوره مشارکت می‌کنند و مأموران خارجی به دیدگاه و نظر آن‌ها گوش می‌دهند، اما نقشی در تصمیم‌گیری ندارند.
۴ مشارکت برای مشوق‌های مادی	افراد با انگیزه‌ی مشوق‌های مادی، مانند کار، اطلاعات، غذا، پول نقد، و مانند آن مشارکت می‌کنند.
۵ مشارکت عملی	افراد به وسیله‌ی تشکیل گروه‌هایی که با یک‌دیگر دیدار و اهداف برنامه را تعیین می‌کنند، مشارکت می‌کنند.
۶ مشارکت تعاملی	افراد به وسیله‌ی تجزیه و تحلیل برنامه‌ریزی عملی، شکل‌دهی به مؤسسه‌های محلی، و یا تقویت مؤسسه‌های موجود مشارکت می‌کنند. این گروه‌ها بر تصمیم‌های محلی کنترل دارند و هم‌چنین در نگاه‌داری ساختار و روند کار نقش دارند.
۷ تحرک درون‌زا	افراد به وسیله‌ی ابتکار در امور، بدون وابستگی به مؤسسه‌های خارجی، برای دستیابی به منابع و توصیه‌های فنی موردنیاز مشارکت می‌کنند.

منبع: زرافشانی، خالدی، و غنیان (۱۳۸۸)

¹ Synergy



هرچند مطالعه‌های نظری و تجربی، بررسی‌های میدانی و اسنادی، و گزارش‌های پژوهشی زیادی در مورد مشارکت صورت گرفته، که برخی از آن‌ها در سطح مناطق، استان‌ها، و یا شهرستان‌ها انجام شده‌است، از میان آثار موجود، تنها به منابعی اشاره می‌شود که در مسیر پژوهش حاضر قرار دارند.

شعبان‌علی فمی، علی‌بیگی، و شریف‌زاده (۱۳۸۳) ویژگی‌های مشارکت را در موارد زیر خلاصه کرده‌اند:

- ۱ مشارکت یک فرآیند پی‌درپی است.
- ۲ مشارکت باید گزیداری و مردم‌سالارانه باشد.
- ۳ مشارکت باید با دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان نزدیک باشد.
- ۴ مشارکت باید بر پایه‌ی دیدگاه‌های واقعی مشارکت‌کنندگان تعریف شود.
- ۵ مشارکت نیاز به زمان دارد.

ردی^۱ (۱۹۷۳، برگرفته از زاهدی مازندرانی ۱۳۸۴)، ۹ عامل را به عنوان عوامل اصلی مؤثر بر مشارکت مشخص می‌کند که در میان آن‌ها، پای‌گاه اجتماعی-اقتصادی به عنوان عامل بسترساز و تعیین‌کننده‌ی نوع و حدود مشارکت، نقشی پایه‌یی و حیاتی بازی می‌کند. این عوامل عبارت‌اند از: چرخه‌های حیاتی، پای‌گاه اجتماعی-اقتصادی، مشخصات اجتماعی-فیزیکی، گروه و وابستگی سازمانی، روابط غیررسمی میان افراد، قرار گرفتن در معرض وسایل ارتباط جمعی و سایر فعالیت‌ها، نوع نگرش افراد، ویژگی‌های شخصیتی و ظرفیت‌ها، و عوامل ساختاری اجتماعی و محتوایی.

افتخار (۱۳۷۴)، موانع اساسی فعالیت‌های آموزشی-ترویجی زنان روستایی را موارد زیر عنوان کرده‌است:

- ۱ نارسایی دانش اساسی زنان روستایی.
- ۲ نبود دسترسی زنان به منابع اطلاعاتی و مراجع آموزشی.
- ۳ هم‌آهنگ نبودن برنامه‌های آموزشی با نیازهای زنان روستایی.
- ۴ بی‌توجهی به اجرای برنامه‌ی آموزش‌های اساسی (آموزش سوادآموزی، آموزش دینی، آموزش فرهنگی، و آموزش اقتصادی-اجتماعی).
- ۵ در پیش نگرفتن راه‌کارهای قانونی لازم برای انتخاب کارگزاران آموزشی از میان زنان دارای شرایط در روستاها.
- ۶ نبود برنامه‌سازی رادیو-تلویزیونی ویژه‌ی زنان روستایی.

¹ Reddy, Richard

حسینی‌نیا (۱۳۷۹)، دلایل مشارکت روستاییان در برنامه‌های ترویجی را به ترتیب زیر

نام می‌برد:

- ۱ افزایش درآمد و تولید.
- ۲ به دست آوردن داده‌های تازه.
- ۳ تشویق، تبلیغ، و دادن نهاده‌ها و امکانات موردنیاز.
- ۴ علاقه‌مندی به کشاورزی.

زرافشانی، خالدی، و غنیان (۱۳۸۸) نشان داده‌اند که میان مشارکت زنان روستایی در سطوح مختلف تحصیلی و نیز بر پایه‌ی وضعیت تأهل، تفاوتی معنادار وجود دارد. در پژوهش حسینی‌نیا (۱۳۷۸؛ ۱۳۷۹)، انگیزه‌های آموختن دانش و مهارت به خاطر علاقه، یاد گرفتن نکات تازه، و استفاده‌ی مفید از وقت، به ترتیب، در اولویت اول تا سوم، و انگیزه‌ی پیدا کردن قدرت و نفوذ بر دیگران، جلب نظر و توجه سایر زنان روستا، و انتخاب شدن به عنوان زن نمونه‌ی روستا، در آخرین رتبه‌های مربوط به دلایل مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های ترویجی قرار دارند. نوراند^۱ (۱۹۹۲) مهم‌ترین دلایل مشارکت در برنامه‌های آموزشی-ترویجی را تعهد بالا به سازمان ترویج، دخالت در مسائل اجتماعی مثبت، دریافت داده‌هایی با کیفیت بالاتر، و انگیزه‌ی درونی برای یادگیری می‌داند. محمودیان (۱۳۶۹)، نشان داده‌اند که هر چه بر مقدار متغیرهای میزان ارتباط روستاییان با عاملان توسعه‌ی روستایی، آگاهی، وابستگی به دولت، وضعیت اقتصادی، اعتماد، و انگیزه‌ی روستاییان افزوده شود، به همان مقدار مشارکت روستاییان افزایش می‌یابد.

بر پایه‌ی نتایج مطالعه‌ی ضابطیان (۱۳۸۲)، توان‌مندی اجتماعی-فرهنگی و برتری اجتماعی، عامل اصلی مشارکت مردم است. حسینی‌نیا (۱۳۷۸) نشان داده‌است که میان انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌های ترویجی و متغیرهای علاقه به شغل کشاورزی، خوشنودی از فعالیت‌های ترویجی انجام‌شده، نیازهای سه‌گانه‌ی پیش‌رفت، هم‌بستگی و قدرت اجتماعی، و نگرش به ترویج کشاورزی در کشاورزان مورد مطالعه، رابطه‌ی مثبت وجود دارد. در پژوهش حاضر، میان انگیزش کشاورزان برای مشارکت در فعالیت‌های ترویجی و متغیرهای سن، سواد، میزان مالکیت، سطح زیر کشت، فاصله‌ی روستا تا مرکز خدمات، وضعیت اقتصادی، مقدار دیدار با مروج، بعد خانوار، میزان وام دریافتی، انتخاب شدن به عنوان کشاورز نمونه، مددکاری ترویج، میزان زمین زیرپوشش طرح محوری، پیشینه‌ی شرکت در طرح محوری، و استفاده از یارانه‌ی کود شیمیایی و دیگر نهاده‌ها، هیچ گونه رابطه‌ی دیده‌نمی‌شود.

¹ Norland, Emmalou Van Tilburg



نتایج پژوهش صمدی / افشار (۱۳۸۲) بیان‌گر آن است که میان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی و موقعیت اجتماعی، میزان استفاده از تلویزیون و رادیو، و تعداد تماس زنان روستایی با مروجان، ارتباطی معنادار وجود دارد؛ همچنین، مقدار زمین، وضعیت تأهل، شغل اصلی سرپرست خانوار، میزان سن، سطح سواد، میزان استفاده از رادیو، استفاده از امکانات و نهادهای تولیدی، موقعیت اجتماعی زنان روستایی، شمار فرزندان، شمار دام، شمار بازدید از طرح‌های نمونه‌ی ترویجی، آموزش افراد مورد مطالعه، و میزان آگاهی زنان روستایی از محتوای دوره‌های آموزشی-ترویجی، تأثیراتی مثبت بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی داشته‌اند. نتایج مطالعه‌ی ریچاردسون، ویلیامز، و موستیان^۱ (۲۰۰۳) نشان داده‌است که تلاش و کوشش آموزش‌گران ترویج برای شناسایی درست موانع مشارکت، می‌تواند از ترک کردن برنامه‌ها به وسیله‌ی افراد جلوگیری کند؛ همچنین، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که پایین بودن سطح تحصیلات، بی‌کاری، و پایین بودن وضعیت اقتصادی، باعث کاهش اعتماد به نفس و در نتیجه کاهش مشارکت افراد در برنامه‌های مربوط می‌شود.

نتایج مطالعه‌ی کوهی (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی، به نگرش‌های اجتماعی، انسجام اجتماعی، خوشنودی اجتماعی، بررسی‌های اجتماعی، آگاهی‌های اجتماعی، وضعیت تولید خانوار، نوع فرآورده‌ی تولیدی عمده، نوع شغل، بعد خانوار، سطح سواد، و تشکل‌های مردمی بستگی دارد.

نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه‌ی اسمیت^۲ (۲۰۰۵)، اختلاف‌های معنادار جنسیتی و نژادی را در مقدار مشارکت زنان و نیز میزان بالاتر مشارکت زنان بزرگسال را در برنامه‌های آموزشی-ترویجی نشان می‌دهد.

در پژوهش خادم عباسی (۱۳۷۷)، میزان تحصیلات، میزان آگاهی کشاورزان از طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی، عضویت و یا هم‌کاری با یکی از تشکل‌های روستایی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون)، میزان پی‌روی از رهبران محلی، تعداد تماس با مروج، بازدیدهای نمایشی، و نوع مالکیت، در مشارکت کشاورزان در طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی تأثیری معنادار داشته، اما گوناگونی کاشت، میزان سن، میزان درآمد، و استفاده از مجله‌ها و نشریه‌های ترویجی، تأثیری معنادار را نشان نداده‌است.

نتایج پژوهش آرمند (۱۳۷۶) نشان داد که میان مشارکت و میزان سواد و مورد اعتماد بودن هیچ رابطه‌ی وجود ندارد.

¹ Richardson, John G., Jo Ann Y. Williams, and R. David Mustian

² Smith, Thomas J.

نتایج مطالعه‌ی *آرنولد* و هم‌کاران^۱ (۲۰۰۷)، داشتن تفریح و سرگرمی را مهم‌ترین عامل مشارکت دختران و پسران روستایی در فعالیت‌های مربوط به جوانان روستایی می‌داند و از گذراندن وقت با دوستان و کار گروهی نیز به عنوان دیگر عوامل مهم نام می‌برد. در پژوهش *آرنولد* (۲۰۰۴)، زنان شرکت‌کننده، هدف خود را از مشارکت در برنامه‌های توسعه و ترویج روستایی، گسترش مهارت‌های مهم زندگی، پیدا کردن دوستان جدید، سازگار شدن با شرایط جدید، و مسئولیت‌پذیری عنوان کرده‌اند.

نتایج پژوهش *کونگولو* و *بامگوس*^۲ (۲۰۰۲) نشان داد که بالا رفتن سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان، مشارکت فعال آن‌ها را در فرآیند توسعه تقویت می‌کند. این مطالعه تأکید می‌کند که سطح تحصیلات، به عنوان ابزاری مهم برای تحریک، ایجاد، به دست آوردن، و افزایش مشارکت فعال زنان روستایی در توسعه مورد نیاز است.

بر پایه‌ی پژوهش *پورطریق* (۱۳۸۰)، شمار دام (از متغیرهای اقتصادی)، نگرش شوهر به زن، و شرکت در فعالیت‌های مختلف روستا (از متغیرهای اجتماعی-فرهنگی) در شمار متغیرهای مؤثر بر مشارکت اند.

بر پایه‌ی گفته‌ی *بشردوست* (۱۳۷۳)، شمار سال‌های عمر، تفاوتی معنادار را در میزان مشارکت زنان روستایی شالی‌کار پدید نمی‌آورد، اما هر چه مقدار زمین خانوار بیشتر، وضعیت اقتصادی خانوار فرد بهتر، و سطح سواد بالاتر باشد، میزان مشارکت زنان شالی‌کار کم‌تر است؛ همچنین، میزان مشارکت افراد آموزش‌دیده و آموزش‌ندیده نیز یکسان به نظر می‌رسد.

نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه‌ی *شعبان‌علی فمی*^۳ (۲۰۰۶) بیان‌گر آن است که میان میزان مشارکت زنان روستایی در کشاورزی تلفیقی و ۱۶ ویژگی فردی، اقتصادی-اجتماعی، روان‌شناختی، ارتباطی، و تغذیه‌ی آن‌ها، یک هم‌بستگی معنادار وجود دارد. سن زن، سن شوهر، تجربه‌ی کشاورزی، تجربه‌ی دام‌داری، ادراک سنگینی دوچندان نقش، کل انرژی به‌کاررفته، کل انرژی به‌کاررفته در دام‌داری، کشاورزی تلفیقی، و فعالیت‌های منزل، سطح سواد شوهر، مالکیت دام، و تماس ترویجی، از جمله‌ی این ویژگی‌ها به شمار می‌آیند. تجزیه و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نیز نشان داد که ۴۸ درصد تغییرات در میزان مشارکت کل زنان روستایی در کشاورزی تلفیقی، به وسیله‌ی سه متغیر وضعیت تأهل، سطح سواد زن، و زمان به‌کاررفته در دام‌داری بیان می‌شود.

¹ Arnold, Mary E., Jana L. Meinhold, Tammy Skubinna, and Carolyn Ashto

² Kongolo, M., and OO Bamgose

³ Shabanali Fami, H.



نتایج پژوهش میرباقری (۱۳۸۵) در مازندران بیان‌گر آن است که میان‌گرایش زنان روستایی به مشارکت در صندوق اعتبارات خرد، و متغیرهای نوگرایی، تصور خیز محدود، سازگاری شناختی، و خوداثربخشی، رابطه‌ی معنادار وجود دارد و متغیرهای تقدیرگرایی و بیگانگی اجتماعی، ایجاد رابطه‌ی معنادار نمی‌کند.

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش رضایی قادری (۱۳۸۳) مشخص کرد که میان ویژگی‌های فردی (سن، تحصیلات، شمار فرزندان) و میزان مشارکت، رابطه‌ی مثبت و معنادار؛ میان درآمد ماهانه و میزان مشارکت، رابطه‌ی مستقیم و معنادار؛ و میان نگرش زنان نسبت به خود و میزان مشارکت آنان، رابطه‌ی منفی و غیرمعنادار وجود دارد؛ هم‌چنین، زنان برای شرکت در سازمان‌های غیردولتی، گرایش بیشتری را از خود نشان می‌دهند.

در مطالعه‌ی راسموسن^۱ (۲۰۰۳) نیز، در یک یا بیش‌تر از یک مورد، زنان جوان در سازمان‌های خدماتی-اجتماعی، مذهبی، رهبران پیشاهنگ، و مرکز برنامه‌های بعد از مدرسه‌ی جوانان مشارکت داشته‌اند، اما هیچ شکلی از فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان‌های دولتی یا تجاری مشارکت جوانان گزارش نشده‌است.

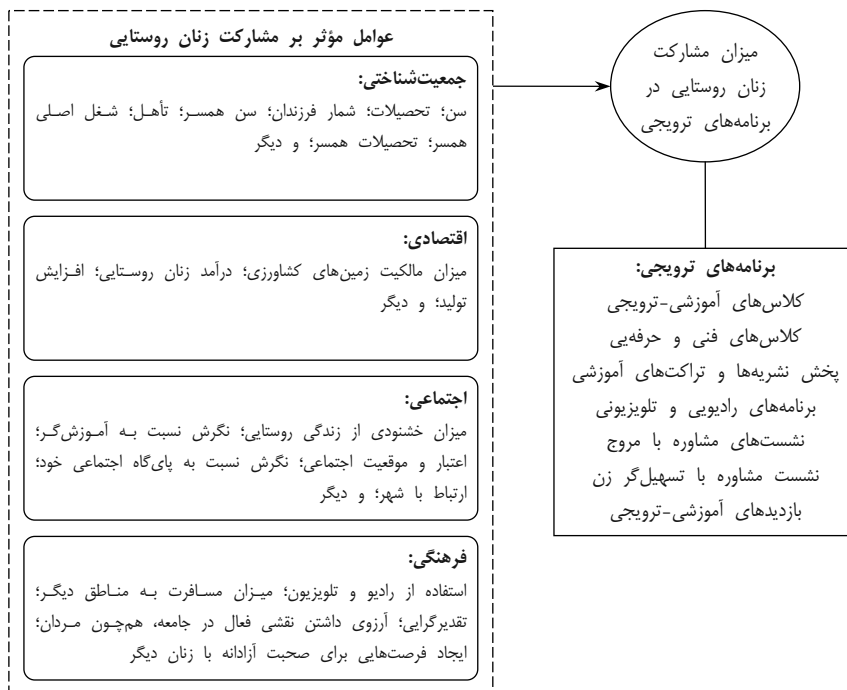
در مورد مهم‌ترین دلایل مشارکت از نظر شرکت‌کنندگان نیز، حسینی‌نیا (۱۳۷۸) و نوروند (۱۹۹۲)، دریافت داده‌های باکیفیت و تازه، انگیزه‌ی درونی، و علاقه به یادگیری را به عنوان مهم‌ترین دلایل مشارکت مورد تأکید قرار داده‌اند. مشترک بودن این عوامل در یافته‌های پژوهشی پژوهش‌گران داخلی و خارجی، نشان‌دهنده‌ی اهمیت بالای آن‌ها در امر مشارکت است.

نتایج پژوهش صمدی/افشار (۱۳۸۲) و خادم عباسی (۱۳۷۷) نیز وجود رابطه‌ی معنادار را میان میزان مشارکت و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تعداد تماس با مروج مورد تأیید قرار می‌دهد.

بر پایه‌ی مطالب گفته‌شده، دلایل مشارکت یا نبود مشارکت زنان روستایی را می‌توان به چهار مؤلفه‌ی عوامل جمعیت‌شناختی (سن، سطح تحصیلات، شمار فرزندان، سن همسر، وضعیت تأهل، شغل اصلی همسر، سطح تحصیلات همسر، و مانند آن)؛ عوامل اقتصادی (میزان مالکیت زمین‌های کشاورزی، درآمد زن روستایی، افزایش تولید، و مانند آن)؛ عوامل اجتماعی (خوشنودی از محیط روستا، نگرش نسبت به آموزش‌گر، اعتبار و موقعیت اجتماعی، نگرش نسبت به پای‌گاه اجتماعی خود، ارتباط با شهر، و مانند آن)؛ و عوامل فرهنگی (میزان استفاده از رادیو و تلویزیون، میزان مسافرت به مناطق دیگر، تقدیرگرایی، آرزوی داشتن نقشی فعال، هم‌چون مردان، در جامعه، ایجاد فرصت‌هایی برای صحبت آزادانه با زنان

¹ Rasmussen, Marilyn F.

دیگر، و مانند آن) تقسیم کرد. در این پژوهش، تنها تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی بر میزان مشارکت بررسی شده‌است.



نمودار ۱- چهارچوب مفهومی پژوهش

هدف کلی این پژوهش، تحلیل عوامل جمعیت‌شناختی و میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان سنقر و کلیایی در برنامه‌های ترویجی بود، که دست‌یابی به این هدف، بسته به اهداف زیر است:

- ۱ تعیین میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی.
- ۲ تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی.
- ۳ اولویت‌بندی دلایل مشارکت یا نبود مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی.



مواد و روش‌ها

این پژوهش توصیفی-هم‌بستگی، با مشارکت ۳۲۷ نفر از زنان روستایی شهرستان سنقر و کلیایی در استان کرمانشاه انجام شد. جامعه‌ی آماری موردنظر ۲۱۹۹ نفر بود که با استفاده از جدول مورگان، حجم نمونه‌ی ۳۲۷ نفر به دست آمد. در مرحله‌ی اول نمونه‌گیری چندمرحله‌ی از هر ۸ دهستان شهرستان، ده درصد روستاها به صورت تصادفی انتخاب، و در مرحله‌ی بعد، به تناسب شمار زنان روستایی هر روستا و با توجه به حجم نمونه، به شیوه‌ی تناسب متناسب، شماری از زنان، به صورت کاملاً تصادفی، انتخاب شدند (با فرض یک زن روستایی برای هر خانوار روستایی).

ابزار اصلی پژوهش را پرسش‌نامه‌ی با سه بخش اطلاعات فردی (جمعیت‌شناختی) زنان روستایی، گویه‌های مربوط به بررسی میزان مشارکت، و سؤال‌های مربوط به بررسی دلایل مشارکت و نبود مشارکت تشکیل می‌دهد، که روایی ظاهری و محتوایی آن، با استفاده از نظر پژوهش‌گران رشته‌های جامعه‌شناسی روستایی، پژوهش‌گران ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی، و نیز کارشناسان مسائل زنان روستایی سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه به دست آمد. معیار پایایی درونی (ضریب آلفای کرون‌باخ) برای بخش دوم پرسش‌نامه ۰/۹۴ و برای بخش سوم ۰/۹۵ به دست آمد، که نشان‌گر پایایی مناسب مقیاس‌های طراحی‌شده بود. پس از پر کردن پرسش‌نامه‌ی تأییدشده، به صورت مصاحبه از زنان روستایی، برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS^۱ استفاده شد. برای دستیابی به هدف اول و سوم نیز، از جدول‌های توزیع فراوانی و آماره‌های توصیفی، مانند میانگین و انحراف معیار، و برای دستیابی به هدف دوم، از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

نتایج

بر پایه‌ی یافته‌ها، محدوده‌ی سنی پاسخ‌دهندگان ۱۴ تا ۷۰ سال و دارای سطح سواد در حد ابتدایی است (۳۵/۸ درصد). ۳۴/۹ درصد پاسخ‌دهندگان، مجرد و ۶۵/۱ درصد متأهل اند. بیش‌تر افراد متأهل (۲۰/۵ درصد) ۳ فرزند دارند و بررسی داده‌های مربوط به همسر آن‌ها نشان می‌دهد که شغل اصلی ۴۵/۹ درصد آن‌ها کشاورزی است و بیش‌تر آن‌ها (۴۴/۸ درصد) بی‌سواد اند.

اولین هدف اختصاصی، تعیین میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بود. جدول ۲ نتایج مربوط را نشان می‌دهد.

^۱ Statistical Package for the Social Sciences

جدول ۲- میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی

برنامه‌های آموزشی-ترویجی	کم		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کلاس‌های ترویجی	۲۴۹	۷۶٫۱	۷۷	۲۳٫۵	۱	۰٫۳
کلاس‌های فنی و حرفه‌ای	۲۹۲	۸۹٫۳	۳۴	۱۰٫۴	۱	۰٫۳
دیدار با تسهیل‌گر زن روستا	۲۱۶	۶۶٫۱	۷۵	۲۲٫۹	۳۶	۱۱٫۰
انتخاب شدن به عنوان زن نمونه روستا	۳۰۱	۹۲٫۰	۲۵	۷٫۶	۱	۰٫۳
استفاده از نشریه‌های ترویجی	۲۲۵	۶۸٫۸	۷۰	۲۱٫۴	۳۲	۹٫۸
استفاده از برنامه‌های رادیویی	۲۱۶	۶۶٫۱	۷۳	۲۲٫۳	۳۸	۱۱٫۶
استفاده از برنامه‌های تلویزیونی	۲۷۴	۸۳٫۸	۵۰	۱۵٫۳	۳	۰٫۹
شرکت در بازدیدهای ترویجی	۲۹۲	۸۹٫۳	۳۴	۱۰٫۴	۱	۰٫۳
دیدار با مروج زن روستا	۱۵۲	۴۶٫۵	۱۰۲	۳۱٫۲	۷۳	۲۲٫۳
استفاده از تراکت‌های آموزشی	۲۱۹	۶۷٫۰	۷۳	۲۲٫۳	۳۵	۱۰٫۷

بر پایه‌ی جدول ۲، مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی موردنظر کم است و بیش‌ترین مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های دیدار با مروج زن روستا، استفاده از برنامه‌های رادیویی، و دیدار با تسهیل‌گر زن روستا است. به‌طور کلی، به‌رغم حضور فعال و نقش مؤثر زنان در تولید کشاورزی منطقه‌ی موردنظر، آن‌ها در طراحی برنامه‌های آموزشی-ترویجی نادیده گرفته‌شده‌اند و پایین‌بودن میزان مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی-ترویجی، به دلیل کم بودن برنامه‌های طراحی‌شده برای زنان در این زمینه است. دومین هدف اختصاصی مطالعه، تعیین پیوند متغیرهای فردی و حرفه‌یی با متغیر وابسته‌ی میزان مشارکت بود. نتایج آزمون هم‌بستگی در جدول ۳ آورده‌شده‌است.

جدول ۳- پیوند میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی

با ویژگی‌های فردی و حرفه‌یی آنان

متغیر	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری
سن	-.۰۴۲۷	**
سطح تحصیلات	-.۰۶۳۵	**
شمار فرزندان	-.۰۴۱۶	**
سن همسر	-.۰۴۰۵	**
سطح تحصیلات همسر	-.۰۴۷۸	**

** $p < ۰٫۰۱$

بر پایه‌ی جدول ۳، میان میزان مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی-ترویجی و سن، سطح تحصیلات، شمار فرزندان، سن همسر، و سطح تحصیلات همسر، پیوندی معنادار وجود دارد، که برای بررسی میزان تأثیر هر یک از آن‌ها بر میزان مشارکت، از تحلیل برازش چندگانه‌ی گام‌به‌گام استفاده شد (جدول ۴).



جدول ۴- تحلیل برازش تأثیر متغیرهای عوامل فردی بر میزان مشارکت زنان

متغیر	R^2	تغییرات R^2	β	مقدار B	t	سطح معناداری
سن	۰/۲۱	۰/۲۱	-۰/۱۳۵	-۰/۰۰۹	-۰/۸۲۹	۰/۴۰۸
سطح تحصیلات	۰/۳۱	۰/۱۰	۰/۴۹۸	۰/۳۰۲	۶/۱۷۹	۰/۰۰۰
شمار فرزندان	۰/۳۹	۰/۰۸	-۰/۰۴۲	-۰/۰۱۴	-۰/۴۳۳	۰/۶۶۵
سن همسر	۰/۴۵	۰/۰۶	۰/۰۴۵	۰/۰۰۳	۰/۲۸۸	۰/۷۷۳
سطح تحصیلات همسر	۰/۴۹	۰/۰۴	۰/۰۹۹	۰/۰۵۱	۱/۳۲۸	۰/۱۸۶

بر پایه‌ی جدول ۴، متغیر سن، به‌تنهایی، ۲۱ درصد از واریانس مربوط به میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی را تبیین می‌کند؛ یعنی می‌توان گفت متغیر یادشده، یکی از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان است. متغیر دوم، یعنی سطح تحصیلات نیز ۱۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته‌ی میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی را تبیین کرده‌است و به‌طور کلی، پنج متغیر یادشده حدود ۵۰ درصد از تغییرات میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی را تبیین می‌کنند. سومین هدف اختصاصی پژوهش، تعیین دلایل مشارکت یا نبود مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بود. در جدول ۵، دلایل مشارکت و در جدول ۶ دلایل نبود مشارکت آمده‌است.

بر پایه‌ی جدول ۵، تماس زیاد با مروجان و افزایش تولید و درآمد، دارای بالاترین اولویت‌ها، و گرفتن مدرک و خدمت به روستا، پایین‌ترین اولویت‌ها است. این بدان معنا است که تماس زیاد با مروجان و افزایش تولید و درآمد، بیش‌تر از سایر دلایل بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی تأثیرگذار بوده‌است و گرفتن مدرک و خدمت به روستا کم‌ترین تأثیر را بر مشارکت زنان روستایی داشته‌است.

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلایل نبود مشارکت، به ترتیب اهمیت، تبعیض‌های جنسیتی، اجازه ندادن به زنان برای حضور در فعالیتهای گروهی، و پایین بودن سواد است؛ همچنین، تقدیرگرایی، نبود اطلاع‌رسانی به‌هنگام در مورد زمان و مکان برگزاری برنامه‌ها، و پایین بودن میزان مسافرت به مناطق دیگر نیز کم‌اهمیت‌ترین دلایل نبود مشارکت است؛ بنا بر این، با توجه به چهارچوب مفهومی پژوهش می‌توان چنین گفت که عوامل فرهنگی، مهم‌ترین دلایل نبود مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی است و عوامل اجتماعی، کم‌اهمیت‌ترین آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

جدول ۵- اولویت‌بندی دلایل مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی

دلایل مشارکت	میانگین ^۱	انحراف معیار
تماس زیاد با مروجان	۳/۸۹	۱/۱۱
افزایش تولید	۳/۸۶	۳/۱۴
خوشنودی از برنامه‌های ترویجی گذشته	۳/۶۹	۱/۰۴
علاقه‌مندی به کشاورزی	۳/۶۹	۱/۰۰
انگیزه‌ی بالا برای یادگیری	۳/۶۷	۱/۰۴
گرفتن نهاده‌ها	۳/۶۷	۰/۸۸
آرزوی داشتن نقشی فعال در جامعه	۳/۶۲	۱/۱۱
برقراری پیوند اجتماعی با دیگران	۳/۵۶	۰/۹۶
نگرش مثبت نسبت به آموزش‌گر	۳/۵۵	۱/۰۹
افزایش اعتبار اجتماعی	۳/۳۹	۱/۰۳
آگاهی از فواید برنامه، پیش از اجرا	۳/۳۸	۰/۹۱
تجربه‌ی پیشین	۳/۳۶	۱/۱۵
خوشنودی از محیط روستا	۳/۳۲	۰/۹۹
رقابت	۳/۲۵	۰/۸۹
نگرش مثبت نسبت به پای‌گاه اجتماعی خود	۳/۲۲	۱/۰۱
ایجاد فرصت برای صحبت آزادانه با زنان دیگر	۳/۱۶	۰/۹۳
ارتباط با شهر	۳/۱۱	۱/۱۷
انتخاب شدن به عنوان زن نمونه‌ی روستا	۳/۰۸	۱/۰۰
خدمت به روستا	۲/۹۷	۰/۹۶
گرفتن مدرک	۲/۹۷	۰/۹۴

مقیاس: (۱) خیلی کم؛ (۲) کم؛ (۳) متوسط؛ (۴) زیاد؛ (۵) خیلی زیاد

جدول ۶- اولویت‌بندی دلایل نبود مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی

دلایل نبود مشارکت	میانگین ^۱	انحراف معیار
تبعیض‌های جنسیتی	۴/۱۸	۱/۰۳
اجازه ندادن به زنان برای حضور در فعالیت‌های گروهی	۴/۱۰	۱/۰۷
پایین بودن سواد	۴/۰۸	۱/۰۲
فقر اقتصادی	۴/۰۳	۱/۰۴
نبود آگاهی نسبت به شیوه‌ی برخورد با زنان	۴/۰۱	۱/۰۳
حجم زیاد فعالیت‌های داخل و خارج خانه	۳/۹۸	۱/۰۴
تعصبات خانوادگی	۳/۹۵	۱/۲۰
سوء تغذیه	۳/۸۷	۱/۱۶
کم‌بود مروجان زن	۳/۷۳	۰/۹۶
ناکامی و خستگی	۳/۶۷	۱/۰۴
هم‌آهنگ نبودن برنامه‌ها با ویژگی‌های روحی و جسمانی فراگیران	۳/۶۶	۰/۸۸
طراحی نکردن برنامه‌های چندرسانه‌یی	۳/۶۲	۰/۹۷
نامناسب بودن زمان و مکان اجرای برنامه‌ها	۳/۵۸	۰/۸۸
متناسب نبودن برنامه‌ها با نیازهای زنان	۳/۵۵	۰/۸۸
کم‌بود تسهیل‌گران زن	۳/۵۴	۰/۹۰
کم بودن دانش علمی و کاربردی	۳/۴۸	۰/۹۶
نبود ارتباط درست مروج با زنان روستایی	۳/۴۴	۰/۸۳
پایین بودن میزان مسافرت به مناطق دیگر	۳/۴۰	۰/۹۶
نبود اطلاع‌رسانی به‌هنگام در مورد زمان و مکان برنامه‌ها	۳/۳۵	۰/۸۳
تقدیرگرایی	۳/۰۳	۰/۷۶

مقیاس: (۱) خیلی کم؛ (۲) کم؛ (۳) متوسط؛ (۴) زیاد؛ (۵) خیلی زیاد



بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان سنقر و کلیایی، از اندازه‌ی متوسط نیز کم‌تر است و به‌رغم حضور فعال آنان در تولید کشاورزی منطقه، حضورشان در طراحی برنامه‌های آموزشی-ترویجی نادیده گرفته شده‌است. تبعیض‌های جنسیتی، اجازه ندادن به زنان برای حضور در فعالیت‌های گروهی، پایین بودن سواد، فقر اقتصادی خانواده، و ناآگاهی نسبت به شیوه‌ی برخورد با زنان، از مهم‌ترین دلایل پایین بودن میزان مشارکت در میان زنان روستایی است. حسینی‌نیا (۱۳۷۹)، بی‌سوادی و گرفتاری‌های اقتصادی را عاملی مؤثر بر نبود مشارکت در کلاس‌های آموزشی-ترویجی می‌داند و می‌توان چنین نتیجه گرفت که پایین بودن میزان سواد و فقر اقتصادی، از مهم‌ترین عوامل نبود مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی است.

مشارکت‌کنندگان مهم‌ترین دلایل مشارکت خود را در برنامه‌های آموزشی-ترویجی، تماس زیاد با مروجان، افزایش تولید و درآمد، خوشنودی از برنامه‌های آموزشی-ترویجی گذشته، و علاقه‌مند بودن به کشاورزی دانسته‌اند. حسینی‌نیا (۱۳۷۸) نیز در پژوهش خود، انگیزه‌ی مادی را به عنوان یکی از عوامل انگیزشی برای مشارکت زنان روستایی نشان داده‌است. حسینی‌نیا (۱۳۷۹) افزایش تولید و درآمد و علاقه‌مند بودن به کشاورزی را از جمله‌ی عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در برنامه‌های ترویجی گزارش کرده‌است و بدین ترتیب، انگیزه‌ی مادی مهم‌ترین عامل مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی است.

نتایج نشان داد که میان میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی و سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، شمار فرزندان، سن همسر، و سطح تحصیلات همسر، رابطه‌ی معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش صمدی/افشار (۱۳۸۲) نیز بیان‌گر آن بود که میان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی و متغیرهای وضعیت تأهل، میزان سن، سطح سواد، و شمار فرزندان، تأثیراتی مثبت وجود دارد. با توجه به نتایج، و به منظور افزایش مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. پیش از طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی-ترویجی ویژه‌ی زنان، نسبت به نوع و میزان حضور زنان روستایی منطقه‌ی موردنظر در فعالیت‌های کشاورزی نیازسنجی صورت گیرد تا برنامه‌هایی طراحی شوند که در راستای نیازهای مخاطبان باشند.

- ۲ برای آن که زنان روستایی نسبت به فعالیتهای ترویجی اعتماد پیدا کنند، کار را می‌توان با اجرای دو یا سه برنامه، که دارای نتایج جالب‌توجه و زودرس اند، شروع کرد.
- ۳ به دلیل آن که انگیزه‌ی مادی در تشویق مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی سهمی بالا را به خود اختصاص داده‌است، باید این‌گونه برنامه‌ها را اولویتی بالاتر قرار بگیرند.
- ۴ به وسیله‌ی بالابردن سواد و آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی مردان روستایی، نسبت به حضور زنان در فعالیتهای گروهی، و از میان بردن تبعیض‌های جنسیتی، می‌توان زمینه‌های حضور زنان در برنامه‌های آموزشی و ترویجی را فراهم کرد.
- ۵ با توجه به این که در پژوهش حاضر از میان چهار مؤلفه‌ی عوامل جمعیت‌شناختی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، و عوامل فرهنگی، که دلایل مشارکت یا نبود مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی را در بر می‌گیرد، تنها عوامل جمعیت‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌است، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده، تأثیر دیگر مؤلفه‌های یادشده نیز بررسی شود.

منابع

- آرمند، پیمان. ۱۳۷۶. «مشارکت کشاورزان در طرح‌های مشترک تحقیقی-ترویجی: مقایسه‌ی مشارکت‌کنندگان و غیرمشارکت‌کنندگان در استان فارس»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- افتخار، رفیع. ۱۳۷۴. «ضرورت شمول نظام آموزشی ترویج بر زنان روستایی»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه* ۳(۹): ۲۱-۳۶.
- امیرنیا، لیلیا. ۱۳۸۰. «میزان و چه‌گونه‌ی مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (زراعت و باغداری) در فرآیند توسعه‌ی روستایی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- بشردوست، رسول. ۱۳۷۳. «بررسی میزان مشارکت زنان شالی‌کار و نقش آموزش‌های ترویجی در تولید برنج در استان گیلان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- پورطرقی، محمد. ۱۳۸۰. «سازه‌های مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای امور دام و صنایع روستایی استان هرمزگان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.



- تقی‌پور بافقی، عباس‌علی، و فاطمه خدائی. ۱۳۸۰. «زنان در آموزش و ترویج کشاورزی». *کشاورزی و صنعت* ۲۹: ۲۷-۲۵.
- حسینی‌نیا، غلام‌حسین. ۱۳۷۸. «بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه‌های مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های آموزشی، ترویجی، و مشارکتی». *جهاد* ۱۹(۲۲۲-۲۲۳): ۴۰-۵۰.
- _____. ۱۳۷۹. «بررسی نتایج مطالعات میحث انگیزش در ترویج، با تأکید بر مطالعات ویژه‌ی زنان روستایی». *جهاد* ۱۹(۲۳۲-۲۳۳): ۱۱-۲۴.
- خادم عباسی، سعید. ۱۳۷۷. «نقش ترویج در میزان مشارکت کشاورزان استان سمنان در طرح یک‌پارچه‌سازی اراضی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، تهران.
- رضایی قادری، خدیجه. ۱۳۸۳. «بررسی راه‌های جلب مشارکت اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی با تأکید بر نهادهای سنتی: مطالعه‌ی موردی شهرستان سوادکوه». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد. ۱۳۸۴. «توان پس‌انداز خانوارهای روستایی و آثار آن بر مشارکت روستاییان در فرآیند توسعه». *اقتصاد کشاورزی و توسعه* ۱۳(۴۶): ۲۷-۶۱.
- زرافشانی، کیومرث، خوشقدم خالدی، و منصور غنیان. ۱۳۸۸. «تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین». *پژوهش زنان* ۷(۳): ۱۰۷-۱۲۸.
- شاه‌پسند، محمدرضا. ۱۳۷۹. «ارتباط ترویج با زنان روستایی از دیدگاه عناصر ارتباطی». *جهاد* ۱۷(۲۰۴): ۲۰۵-۶۳.
- شعبان‌علی فمی، حسین، امیرحسین علی‌بیگی، و ابوالقاسم شریف‌زاده. ۱۳۸۳. *ره‌یافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه‌ی روستایی*. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی توسعه‌ی روستایی ایران.
- صمدی افشار، سائین. ۱۳۸۲. «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی در بخش کشاورزی استان آذربایجان غربی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، تهران.
- ضابطیان، جعفر. ۱۳۸۲. «برنامه‌ریزی توسعه‌ی پایدار در مناطق روستایی با تأکید بر مشارکت‌های مردمی: مطالعه‌ی موردی لپویی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- کوهی، کمال. ۱۳۸۳. «سنجش میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی روستائیان در طرح‌های عمرانی و بررسی برخی از عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه، روستاهای شهرستان ورزقان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، تبریز.
- محمودیان، حسین. ۱۳۶۹. «بررسی میزان و مدل مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی دهستان پشتکوه شهرستان سمنان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- میریاقری، اکرم‌السادات. ۱۳۸۵. «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش زنان روستایی به مشارکت در صندوق اعتبارات خرد: مطالعه‌ی موردی استان مازندران». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.

- میری خوزانی، سیداکبر. ۱۳۷۶. «زنان روستایی: فراموش‌شدگان در کشاورزی.» صص ۱۰۵-۱۰۶ در *مجموعه مقالات پنجمین سمینار علمی ترویج کشاورزی ایران*. تهران: وزارت کشاورزی.
- Arnold, Mary E. 2004. "Personal and Life Skill Development through Participation in the 4-H Japanese Exchange Program." *Journal of Extension* (42)6. Retrieved 27 September 2008 (<http://www.joe.org/joe/2004december/rb5.php>).
- Arnold, Mary E., Jana L. Meinhold, Tammy Skubinna, and Carolyn Ashton. 2007. "The Motivation for and Developmental Benefits of Youth Participation in County 4-H Fairs: A Pilot Study." *Journal of Extension* 45(6). Retrieved 27 September 2008 (<http://www.joe.org/joe/2007december/rb5.php>).
- Kongolo, M., and OO Bamgose. 2002. "Participation of Rural Women in Development: A Case Study of Tsheseng, Thintwa, and Makhalaneng Villages, South Africa." *Journal of International Women's Studies* 4(1):79-92.
- Rasmussen, Marilyn F. 2003. "Adult Attitudes about Youth Participation in Community Organizations." *Journal of Extension* 41(5). Retrieved 18 February 2008 (<http://www.joe.org/joe/2003october/rb5.php>).
- Richardson, John G., Jo Ann Y. Williams, and R. David Mustian. 2003. "Barriers to Participation in Extension Expanded Foods and Nutrition Programs." *Journal of Extension* 41(4). Retrieved 12 March 2008 (<http://www.joe.org/joe/2003october/rb5.php>).
- Shabanali Fami, H. 2006. "Relationship between Different Characteristics of Rural Women with Their Participation in Mixed Farming Activities." *Journal of Agricultural Science and Technology* 8(2):107-117.
- Smith, Thomas J. 2005. "Ethnic and Gender Differences in Community Service Participation among Working Adults." *Journal of Extension* 43(2). Retrieved 12 March 2008 (<http://www.joe.org/joe/2005april/rb1.php>).
- Norland, Emmalou Van Tilburg. 1992. "Why Adults Participate." *Journal of Extension* 30(3). Retrieved 12 March 2008 (<http://www.joe.org/joe/1992fall/a2.php>).



نویسندگان

دکتر امیرحسین علی‌بیگی،

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه
baygi1@razi.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
رئیس مرکز تحقیقات توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه.
پژوهش‌های وی در زمینه‌ی آموزش کشاورزی، ترویج کشاورزی، و توسعه‌ی روستایی است.

لیلا بنی‌عامریان،

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه
banle61@yahoo.com

پژوهش‌های وی بیش‌تر در زمینه‌ی ترویج و آموزش زنان روستایی و ارزش‌یابی برنامه‌های ترویج کشاورزی است.